

100 - 86
100 - 16

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 100

Date of filing: 28 AUG 84

** AWARD - Type of Award FINAL
- Date of Award 13 JULY 84
_____ pages in English 17 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

Case 100
پرونده شماره ۱۰۰

شعبه

حکم شماره ۳ - ۱۰۰ - ۱۴۲

AWARD 142-100-3

English version
Filed on 13 JULY 84
نسخه انگلیسی در تاریخ
ثبت شده است.

هود کورپوریشن ،

خواهان ،

- و -

جمهوری اسلامی ایران ،

بانک مرکزی ایران و

بانک ملت ،

خواندگان .

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
دادگاه دآوری دعای ایران - ایالات متحدہ
ثبت شد - FILED
Date ۱۳۶۲ / ۱۶ / ۶
2 8 AUG 1984
No. 100

DUPLICATE ORIGINAL
نسخه برابر اصل

حکم

حاضران :

از جانب خواهان : آقای دبلیو. ال. کریگ
وکیل

آقای فلویڈ اسمیت
نایب رئیس هود کورپوریشن ،

از جانب خواندگان : آقای محمد کریم اشراق ،

قائم مقام نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

آقای خسرو طیبی
مشاور حقوقی نماینده رابط

آقای حسن معادی ،
وکیل بانک ملت

خانم فاطمه شیروانی ،
بانک ملت

آقای حسینعلی فرزاد ،
بانک مرکزی .

همچنین : خانم جیمیسون سلبی،
قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده آمریکا

اول - جریان دعوی

در تاریخ ۱۸ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۷ آبانماه ۱۳۶۰) خواهان، هودکورپوریشن ("هود") دادخواستی علیه خواندگان، جمهوری اسلامی ایران، بانک مرکزی ایران ("بانک مرکزی") و بانک ملت (سابقاً "بانک ایران و عرب") به ثبت رسانده و ضمن آن تقاضا نمود که حکمی جهت پرداخت (الف) مبلغ ۱,۰۹۵۲,۸۷۱ دلار آمریکا که حسب الادعا معادل ارزش وجوه واریز شده به ریال به حساب هود نزد بانک ملت و بهره متعلقه به آن تا ۱۵ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۴ آبانماه ۱۳۵۸) می باشد و (ب) مبلغ ۵۰۱,۴۱۶ دلار آمریکا بابت مبالغ واجب الادا بموجب یک فقره ضمانتنامه و (ج) بهره و هزینه های داوری، صادر شود. خواندگان در ۱۵ مارس ۱۹۸۲ (۲۴ اسفندماه ۱۳۶۰) دفاعیه و ادعاهای متقابلی را به ثبت رسانده و تقاضای ابطال ضمانتنامه و دریافت هزینه های داوری را نمودند. هود در ۱۴ مه ۱۹۸۲ (۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۱) به ادعای متقابل و دفاعیه ها پاسخ داد.

دیوان در ۲۵ ژوئن ۱۹۸۲ (۴ تیرماه ۱۳۶۱) مقرر نمود که جلسه استماعی در روز ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲ (۶ آبانماه ۱۳۶۱) تشکیل گردد و ضمناً "به طرفین دستور داد تا ۱۳هـ و ۱۹۸۲ (۸ شهریورماه ۱۳۶۱) اظهاریه های کتبی، شامل لوایحی راجع به موضوعات حقوقی و مشخصات اسناد و شهودی که در نظر دارند در جلسه استماع ارائه و معرفی نمایند، به ثبت رسانند. دیوان طی دستور مورخ ۹ ژوئیه ۱۹۸۲ (۱۸ تیرماه ۱۳۶۱) خودبرگزاری جلسه استماع را به ۲۶ نوامبر ۱۹۸۲ (۵ آذرماه ۱۳۶۱) موکول نمود. هود مطالب خود را در ۱۳هـ و ۸ شهریور ۱۳۶۱) و یک یادداشت جلسه استماع در ۲۲ نوامبر ۱۹۸۲ (اول آذر ۱۳۶۱) به ثبت رسانید. خواندگان مطالب خود را در تاریخ ۷ سپتامبر ۱۹۸۲ (۱۶ شهریور ۱۳۶۱) و مطالب دیگری در ۱۹ نوامبر و ۲۴ نوامبر ۱۹۸۲ (۲۸ آبان و ۳ آذرماه ۱۳۶۱) به ثبت رسانیدند.

خواندگان در جلسه استماع مطالب کتبی دیگری ارائه دادند و ادعای متقابل خود در مورد ابطال ضمانتنامه را مسترد نمودند. خواندگان در جلسه استماع برای اولین بار اظهار داشتند که دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعای مربوط به ضمانتنامه

بانکی را ندارد زیرا بعقیده خواندگان ادعا در تاریخ بیانیه حل و فصل دعاوی یعنی ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) پابرجا نبوده است.

خواندگان در ۱۸ مارس ۱۹۸۳ (۲۷ اسفندماه ۱۳۶۱) دفاعیات کتبی تکمیلی خود را به ثبت رسانیدند. چون به ثبت رسانیدن این مطالب مجاز نبوده، انصاف و لزوم رعایت نظم و احتمال ورود لطمه به حقوق طرف دیگر دیوان را ملزم می سازد که مطالب تسلیمی در آن تاریخ را نادیده بگیرد.

دوم - اظهارات طرفین

۱ - اظهارات خواهان

هود سابقه واقعیات مربوط به ادعاهای خود را بشرح زیر بیان می کند:

شرکت ملی نفت ایران (شرکت نفت) در سال ۱۹۷۵ کارهای ساختمانی تلمبه خانه های مسیریک خط لوله نفت را بمنطقه بین المللی گذاشت. هود همراه با یک پیمانکار محلی ایرانی بنام انجینیرینگ اندکانستراکشن کامپنی - شرکت مهندسی و ساختمان نورم ("نورم") در مناقصه شرکت نمود. پیشنهادهای مورد قبول واقع شد و هود در ۳۰ دسامبر ۱۹۷۵ (۹ دیماه ۱۳۵۴) قراردادی با شرکت نفت منعقد نمود (قرارداد "هود - شرکت نفت"). اندکی بعد از آن هود و نورم بمنظور تهیه مصالح و تامین خدمات مهندسی و ساختمان مربوط به احداث تلمبه خانه های موضوع قرارداد هود - شرکت نفت یک شرکت سهامی خاص ایرانی بنام هود - نورم کامپنی ("هود - نورم") تشکیل دادند. هود صاحب ۵۵ درصد سهام و نورم صاحب مابقی ۴۵ درصد سهام هود - نورم بود. هود کلیه حقوق خود بموجب قرارداد هود - شرکت نفت را به هود - نورم منتقل نمود. شرکت نفت این ترتیب را پذیرفته و کسب و وجود موضوع قرارداد را در وجود هود - نورم پرداخت می کرد.

بانکی را ندارد زیرا بعقیده خوانندگان اعداد تاریخ بیانه حل و فصل دعاوی یعنی ۹؛ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) پابرجا نبوده است.

خوانندگان در ۱۸ مارس ۱۹۸۳ (۲۷ اسفندماه ۱۳۶۱) دفاعیات کتبی تکمیلی خود را به ثبت رسانیدند. چون به ثبت رسانیدن این مطالب مجاز نبوده، انصاف و لزوم رعایت نظم و احتمال ورود لطمه به حقوق طرف دیگر دیوان را ملزم می سازد که مطالب تسلیمی در آن تاریخ را نادیده بگیرد.

دوم - اظهارات طرفین

۱ - اظهارات خواهان

هود سابقه واقعیات مربوط به ادعاهای خود را بشرح زیر بیان می کند:

شرکت ملی نفت ایران (شرکت نفت) در سال ۱۹۷۵ کارهای ساختمانی تلمبه خانه های مسیریک خط لوله نفت را بمنطقه بین المللی گذاشت. هود همراه با یک پیمانکار محلی ایرانی بنام انجینیرینگ اندکانستراکشن کامپنی - شرکت مهندسی و ساختمان نورم ("نورم") در مناقصه شرکت نمود. پیشنهادهای مورد قبول واقع شد و هود در ۳۰ دسامبر ۱۹۷۵ (۹ دیماه ۱۳۵۴) قرارداد با شرکت نفت منعقد نمود (قرارداد "هود - شرکت نفت"). اندکی بعد از آن هود و نورم بمنظور تهیه مصالح و تامین خدمات مهندسی و ساختمان مربوط به احداث تلمبه خانه های موضوع قرارداد هود - شرکت نفت یک شرکت سهامی خاص ایرانی بنام هود - نورم کامپنی ("هود - نورم") تشکیل دادند. هود صاحب ۵۵ درصد سهام و نورم صاحب مابقی ۴۵ درصد سهام هود - نورم بود. هود کلیه حقوق خود بموجب قرارداد هود - شرکت نفت را به هود - نورم منتقل نمود. شرکت نفت این ترتیب را پذیرفته و کسب وجود موضوع قرارداد را در وجه هود - نورم پرداخت می کرد.

قرارداد هود - نورم مقرری داشت که پرداخت وجوه به هود طبق درصدهای مشخص به ارزهای معینی صورت گیرد. قرار بود که پرداخت معتنا به اول به دلار آمریکا صورت گیرد ولی هود - نورم به شرکت ملی نفت اجازه داد در صدبیشتری از پرداختها را (در مقایسه با آنچه در قرارداد دقید شده بود) به ریال بعمل آورد. طی مدت بین ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ هود در رابطه با تهیه مصالح دائمی که قرار بود در تلمبه خانه ها بکار رود، وجوهی به دلار به هود - نورم پیش پرداخت می کرد تا هود - نورم بتواند آن مصالح را از ایالات متحده و کشورهای دیگر خریداری و به ایران حمل نموده و در ساختمان تلمبه خانه ها به مصرف رساند.

طی همین مدت هود - نورم در بانک ایران و عرب (بانک کنونی ملت شعبه هجرت) حساب بانکی داشت. در طول مدت مذکور هود - نورم به کمک بانک ایران و عرب در چند مورد وجوهی را که تدریجا "از شرکت ملی نفت به ریال دریافت می نمود به دلار تبدیل کرده و آن وجوه را به حساب بانکی هود در ایالات متحده منتقل نمود تا مقداری از پیش پرداختها را باز پرداخت نماید.

تا اواسط ۱۹۷۹ دو مرحله اول پروژه تاسیس تلمبه خانه، از جمله مهندسی پروژه و تهیه و حمل مصالح و تجهیزات وارداتی عملاً تکمیل شده بود. هود - نورم بعد از انقلاب و پس از آنکه اغلب شرکتهای آمریکایی کار خود را در ایران متوقف نموده بودند به تاسیس خدمات ادامه دادند و شرکت ملی نفت نیز کلیه پرداختهای مقرر را بعمل آورد.

در اواسط ۱۹۷۹ نورم تمایل خود را بر بعهده گرفتن پروژه را اعلام کرد. برای این اساس هود و نورم در مورد کناره گیری هود از پروژه و واگذاری حقوق هود در هود - نورم در مقابل دریافت عوض شروع به مذاکره نمودند. هود و نورم در ۷ اکتبر ۱۹۷۹ (۱۵ مهر ماه ۱۳۵۸) یک موافقتنامه کتبی امضاء کرده و طی آن در مقابل دریافت فوری مبلغ ۱۳۷ میلیون ریال ("پرداخت

اول") از نورم ونیز مبلغ -/۳۵,۴۰۰,۰۰۰ ریال ("پرداخت دوم")^(۱) که قرار بود نورم در موقع تحویل پروژه ولی در هر صورت حداکثر ظرف دو سال از تاریخ انعقاد موافقتنامه ، به هود پرداخت کند ، هود کلیه سهام سرمایه ای خود در هود - نورم و کلیه حقوق خود در رابطه با قرارداد هود - شرکت نفت را به نورم واگذار کرد . پرداخت دوم قرار بود با افتتاح یک ضمانتنامه غیر قابل نکول به مبلغ -/۳۵,۴۰۰,۰۰۰ ریال تضمین شود .

قرارداد هود - شرکت نفت با رضایت شرکت نفت به هود - نورم واگذار شد .

هود اظهار می کند که پرداخت اول به مبلغ -/۱۳۷,۰۰۰,۰۰۰ ریال در واقع شامل پیش پرداختهای تادیه نشده هود به هود - نورم و هزینه های دلاری دیگری بود که هود در رابطه با کمک به هود - نورم در اجرای قرارداد شرکت نفت متحمل شده بود . بنا بر اظهار هود پیش پرداختهای تادیه نشده مبتنی بر صورتحسابهای اجناس و خدماتی است که هود در رابطه با اجرای قرارداد شرکت نفت تامین کرده بود .

بنا بر اظهار هود قسمت اعظم پرداخت دوم ، مبلغ مورد توافق بابت ارزش سهام هود - نورم را منعکس می کرد . این قرارداد که در آن پرداخت به ریال شرط شد موقعی منعقد گردید که ایران تبدیل به ارز خارجی را محدود کرد .

نورم در رابطه با پرداخت اول ، چکی بمبلغ -/۱۳۷,۰۰۰,۰۰۰ ریال عهده بانک ایران و عرب به آقای فلوید اسمیت نماینده هود در ایران تحویل داد . در ۱۴ اکتبر ۱۹۷۹ (۲۲ مهر ماه ۱۳۵۸) هود یک حساب سپرده ۳۱ روزه در بانک ایران و عرب افتتاح نمود . بموجب مفاد این قرارداد سپرده قرار بود بهره ای به نرخ سالانه ۷/۵ درصد به سپرده ها تعلق گیرد . هود در همان

(۱) موافقتنامه از جمله بشرح زیر مقرر می داشت :

"بدینوسیله هود موافقت می کند کلیه حقوق و تعهدات خود بموجب قرارداد ، از جمله وجود در یافتنی از شرکت نفت ، وجوه وثیقه ، بهره ، درآمد و سود و زیان حاصل از تمامی پروژه را به هود - نورم واگذار کند . . . و کلیه سهام و منافع خود در هود - نورم را در مناسبت دریافت مبلغ -/۱۷۲,۴۰۰,۰۰۰ ریال به سهامداران

تاریخ چک ۱۳۷ میلیون ریالی را بصورت سپرده به آن حساب واریز کرد.

هود طی تلکس مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۷۹ (۹ آذرماه ۱۳۵۸) از بانک ایران و عرب درخواست نمود تا می اصل سپرده مدت دار و بهره متعلقه به آن به حساب هود در بانکی در مونیخ (آلمان غربی) منتقل شود. ظاهراً " قرار بود وجوه مزبور به مارک آلمان تبدیل گردد. بانک ایران و عرب طی تلکس مورخ ۱ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۰ آذرماه ۱۳۵۸) به هود پاسخ داد که هرگونه انتقالی از آن حساب مستلزم اجازه بانک مرکزی می باشد. هود پس از مبادله چندین تلکس در مورد انتقال وجه از آن حساب سرانجام در تاریخ ۲۳ مه ۱۹۸۱ (۲ خردادماه ۱۳۶۰) از بانک ملت، شعبه هجرت اطلاع حاصل نمود که بانک مرکزی اجازه انتقال را صادر نخواهد کرد.

هود مدعی است که حق داشته که مبلغ سپرده ۱۳۷ میلیون ریالی و بهره متعلق به آن را در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۹ (۹ آذرماه ۱۳۵۸) از کشور خارج کند. هود ادعا می کند که بانک ایران و عرب متعهد بود جهت تحصیل مجوز مورد لزوم برای انتقال وجه مزبورینفع مشتری خود یعنی هود اقدام فوری به عمل آورد. ادعای مطروح علیه بانک ملت، حسب الادعا مبتنی بر قصور و غفلت دو بانک در انجام تعهداتشان می باشد.

هود بعلاوه اظهار می دارد که امتناع بانک مرکزی بعنوان مرجع صالح دولتی از صدور مجوز انتقال وجوه بانکی تخلف از قوانین ایران یعنی قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی ("قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی") و حقوق بین الملل، از جمله نقض عهدنامه مودت، حقوق اقتصادی و کنسولی بین ایالات متحده آمریکا و ایران ("عهدنامه مودت") و مقررات صندوق بین المللی پول ("آی.ام.اف") بوده است. هود همچنین اظهار می دارد چون خواندگان در گذشته اجازه خروج پول را صادر کرده بودند با پیدایش اعتبار خروج وجوه مورد بحث منع شوند. هود در رابطه با این موضوع همچنین متذکر می شود که طی مذاکرات مربوط به فروش حقوق هود در هود - نورم و نیز هنگامی که کد آف اسمیت چک را به حساب تودیع می کرد، نمایندگان بانک ایران و عرب در مورد اسفال وجوه مزبور به خارج اطمینان هائی دادند.

هود بعنوان مبنای دیگری جهت مسئول شناختن بانک مرکزی و دولت ایران در این ادعا اظهار می دارد که توسل به کنترل ارزی جهت ممانعت از خسارچ نمودن اموال هود بمنزله سلب مالکیت است که هود بخاطر آن مستحق دریافت خسارت می باشد.

در رابطه با پرداخت دوم ، هود طی تلکس مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۱ (۳ مهر ماه ۱۳۶۰) از نورم درخواست نمود مبلغ -/۳۵,۴۰۰,۰۰۰ ریال مورد توافق را پرداخت نماید. نورم تا تاریخ ۱۷ اکتبر ۱۹۸۱ (۱۵ مهر ۱۳۶۰)، یعنی موعده تا دیه توسط نورم و جهی از آن بابت نپرداخته بود. لذا ، هود در ۱۷ اکتبر ۱۹۸۱ (۱۵ مهر ۱۳۶۰) طی تلکسی از بانک ملت، شعبه هجرت خواست تعهد خود را بموجب ضمانتنامه انجام دهد. بانک ملت شعبه هجرت، به این درخواست پاسخ نداد و مبلغ مذکور تا بحال پرداخت نشده است.

در سال ۱۹۸۰ هود یک دعوی مدنی در یکی از دادگاههای ایالات متحده علیه خوانندگان اقامه کرد و طی آن مبلغ -/۱,۹۴۵,۰۰۰ دلار بابت و -/۱۳۷,۰۸۷۲,۶۷۱ ریال و -/۵۰۲,۵۷۶ دلار بابت اقداماتی که منجر به بی ارزش شدن مبلغ -/۳۵,۴۰۰,۰۰۰ ریال پرداخت دوم و ضمانتنامه گردید، مطالبه نمود. خواهان همچنین در رابطه با این ادعاها دستور توقیف اموال خوانندگان را از دادگاه گرفت. بموجب بیانیتهای الجزیره از اموال رفع توقیف و دعوی متوقف گردید.

هود ادعا می کند که بانک ملت در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۹ (۹ آذر ماه ۱۳۵۸) پیشاپیش منکر تعهدات خود بموجب ضمانتنامه شد، زیرا در آن تاریخ روشن بود که بانک قصد ندارد تعهدات خود بموجب ضمانتنامه را محترم شمارد و هود بعلت آن انکار قبل از موعد، حق داشت وجوه مربوط به ضمانتنامه را دریافت و از کشور خارج نماید. هود همچنین معتقد است که دولت ایران و بانک مرکزی بهمان دلایلی که هود در رابطه با ادعای پرداخت اول ابراز نموده در قبالی ادعای موضوع پرداخت دوم مسئول می باشند.

۲ - اظهارات خوانندگان

خوانندگان اظهار می کنند که کنترل ارزی از طرف ایران و اقدامات بانک ایران و عرب و بانک ملت به موجب آن فائوسی بوده و از حمله، استدلال می کنند که عهدنامه مودت دیگر

معتبر نیست، چذب واسطه اقدامات ایالات متحده، نقض گردیده است. خوانندگان، همچنین اظهار می نمایند که هود در هنگامی که وجوه را دریافت کرد، از مقررات کنترل ارزی آگاه بود و می بایست آگاه باشد، و دیگر اینکه موعدایفای تعهدی که بوسیله ضمانتنامه تضمین شده بود تا بعد از تاریخ بیانیه الجزیره فرا نرسیده و بنابراین دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعای بابت پرداخت دوم را ندارد. و نیز اینکه به هر صورت ضمانتنامه اصلی جهت لغو به بانک ملت عودت داده شده و لذا بانک از این بابت دیگر تعهدی ندارد.

سوم - صلاحیت

از آنجا که خواهان شرکتی است که ۵۰ درصد یا بیشتر از سهام آن متعلق به اتباع ایالات متحده می باشد، طبق تعریف بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی تبعه ایالات متحده محسوب می شود. خوانندگان بعنوان دولت ایران و تقسیمات فرعی سیاسی، سازمانها یا دستگاههای آن بمفهوم تعریف بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی "ایران" به شمار می آیند.

ادعا، ادعائی است که طبق شرط مقرر در بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی از "دیون، قراردادهای (شامل معاملات موضوع اعتبارات اسنادی و ضمانتنامه های بانکی)، مصادره اموال و یا هراقدام دیگری که موثر در حقوق مالکیت باشد، ناشی شده و از طرف یک تبعه ایالات متحده علیه ایران اقامه گردیده است.

مسئله ای که از نظر صلاحیت باقی می ماند اینست که آیا ادعا بابت پرداخت دوم ادعائی است که "در تاریخ بیانیه، یعنی ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) پابرجا" بوده است یا خیر. در موافقتنامه مورخ ۷ اکتبر ۱۹۷۹ (۱۵ مهرماه ۱۳۵۸) بین هود و نورم یک ضمانتنامه غیرقابل نکول بمبلغ ۳۵،۴۰۰،۰۰۰ ریال بمنفع هود کورپوریشن در نظر گرفته شده است. موافقتنامه مزبور همچنین مقرر می دارد که "ارزش ضمانت نامه متعلق به هود بوده و باید در موقع تحویل پروژه و یا بهر صورت حداکثر ظرف دو سال از تاریخ موافقتنامه به هود پرداخت گردد". ضمانتنامه ای که بانک ایران و عرب در تاریخ ۲۱ اکتبر ۱۹۷۹ (۲۹ مهرماه ۱۳۵۸) صادر کرده حاوی همین شرایط است. هیچک از طرفین مدعی نیست که در واقع "تاریخ تحویل پروژه" پیش از سر رسید مقرر در ضمانتنامه، یعنی ۷ اکتبر ۱۹۸۱ (۱۵ مهرماه ۱۳۶۰) بوده است. بدین ترتیب قرار بود پرداخت موضوع ضمانتنامه بدشرطی صورت گیرد که نورم پرداخت دوم را در آن

تاریخ به عمل نیآورده باشد. همچنین کسی مدعی نشده است که سررسید تعهد پرداخت نورم قبل از هفتم اکتبر ۱۹۸۱ (۱۵ مهرماه ۱۳۶۰) بوده است. استدلال هود متقاسلا" اینست که بانک ملت تعهدات خود بموجب ضمانتنامه را نقض کرده، زیرا از تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۷۹ (۹ آذرماه ۱۳۵۸) یعنی تاریخی که هود تقاضای اولین پرداخت را نمود، معلوم شد که بانک ملت تعهدات مزبور را ایفاء نخواهد کرد. چون ادعا نشده که هود در آن تاریخ در مورد ضمانتنامه با بانک تماس گرفته است، ظاهراً "استدلال هود مبنی بر اطلاعاتی است که بانک طی تلکس مورخ اول دسامبر ۱۹۷۹ (۱۰ آذرماه ۱۳۵۸) مبنی بر لزوم تحصیل اجازه از بانک مرکزی در مورد انتقال از حساب سپرده هود (پرداخت اول) در اختیار وی قرار داده است.

اما استدلال هود به موضوع مربوط نیست، بانک ملت بموجب مفاد ضمانتنامه متعهد بود و چه را به ریال پرداخت نماید و قریبیه ای وجود ندارد که نشان دهد که قرار بود، پرداخت طبق ضمانت نامه به ارز دیگری صورت گیرد. از این نظر، دیوان دلیلی در تائید این عقیده نمی یابد که در نتیجه نقض قبل از موعد، تعهدضامن در تاریخی قبل از تاریخ مصرح در ضمانتنامه ۱۷ اکتبر ۱۹۸۱ (۱۵ مهرماه ۱۳۶۰) واجب الادا شده باشد.

نظر به مراتب فوق، دیوان معتقد است که نمی توان گفت که ادعا علیه بانک ملت در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) پایرحا بوده تا بتوان بموجب بیانیه حل و فصل دعوی رسیدگی به آن ادعا را در حیطه صلاحیت دیوان قرارداد.

چهارم - ماهیت ادعای مربوط به پرداخت اول

۱ - مسئله مسئولیت بانک ملت

ادعای علیه بانک ملت بر این مبنا است که بانک ایران و عرب و نتیتحتا" بانک ملت در تحصیل فوری اجازه لازم برای انتقال سپرده ریالی به حساب بانکی هود در آلمان غربی غفلت کرده اند.

در مورد این نکته، ادله از جمله نشان میدهد که هود در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۹ (۹ آذرماه ۱۳۵۸) از بانک ملت تقاضای انتقال وجوه را نمود و بانک ملت پاسخ داد که انتقال مذکور مستلزم تحصیل اجازه بانک مرکزی می باشد و نیز ادله حاکی است که تعدادی تلکس هود و بانک ملت مبادله شده و بانک ملت در

ماه مارس ۱۹۸۱ از بانک مرکزی تقاضا کرد که اجازه انتقال وجوه صادر شود و در ماه مه ۱۹۸۱ بانک مرکزی از صدور چنین اجازه‌ای امتناع کرد.

تلکس‌های تسلیمی نشان می‌دهد که علی‌رغم سؤال هود در مورد اینکه چه اقدامی از نظر انتقال درخواستی بعمل آمده بانک‌های مزبور در مورد چنین اقدامی اطلاعی در اختیار مشتری خود قرار ندادند. دیوان معتقد است که هود تحت چنین شرایطی حق داشته فرض کند که بانک‌های پس از دریافت تقاضای وی جهت انتقال وجوه سپرده به بانک خارجی اقدام لازم را جهت کسب اجازه لازم برای انتقال بعمل می‌آورند. از شواهد چنین برمی‌آید که سرانجام چنین اقداماتی بعمل آمد، ولی این کار تا ماه مارس ۱۹۸۱ یعنی قریب ۱۶ ماه بعد از درخواست هود صورت نگرفت. با توجه به این امر، میتوان استدلال کرد که بانک‌ها در کسب اجازه بانک مرکزی رویه صحیح بانکی را رعایت نکرده‌اند.

معهدا، در مورد اینکه در اثر یک نفلت احتمالی خسارتی به هود وارد نشده است، شواهد کافی موجود نیست و قریب‌های هم‌در دست نیست که حاکی از آن باشد که بانک مرکزی که در ماه مه ۱۹۸۱ از صدور اجازه لازم خودداری کرده بود، قبل از تاریخ درخواست هود از بانک ملت، یعنی قبل از ۳۰ نوامبر ۱۹۷۹ (۲۹ آذر ۱۳۵۸) به صدور چنین اجازه‌ای اقدام می‌نمود. دیوان در این رابطه متذکر می‌شود که بخشنامه‌های مربوط به بانک مرکزی درباره تبدیل ارز قبلاً" یعنی در نوامبر ۱۹۷۸ و مه ۱۹۷۹ صادر شده بود. (رجوع شود به ۲ (ب) بخش چهار مندرج در زیر). نظریه مراتب پیش گفته، دیوان معتقد است که ادعای مطروح علیه بانک ایران و عرب و بانک ملت را نمی‌توان پذیرفت.

۲ - مسئله مسئولیت دولت ایران و بانک مرکزی

(الف) تخلف ادعایی از قوانین ایران

هود استدلال می‌کند که بموجب قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی مصوب سال ۱۹۵۵ در ایران، استحقاق دارد مبلغ پرداخت اول را انتقال دهد.

لکن، هودا ثبات یا حتی ادعا نکرده است که حائز شرایط مقرر در قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی میباشد. با توجه به این مراتب، دیوان متقا عد نشده است که هودا استحقاق دارد طبق قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی مبلغ سپرده را منتقل نماید.

ب - تخلف ادعائی از موافقتنامه صندوق بین المللی پول

هودا استدلال می کند که مقررات کنترل ارزی که ایران وضع نموده تخلف از تعهداتی است که ایران بموجب موافقتنامه صندوق بین المللی پول که عضو آنست، بعهده دارد. هودا بالاخص به بند ۲ (الف) ماده هشت موافقتنامه استناد میکند که طبق آن اختیارات دولتهای عضو جهت "وضع محدودیت ها در مورد پرداختها و انتقالات بابت معاملات جاری بین المللی"، محدود شده است و همچنین هودا به بند ۳ ماده شش (که در زیر نقل میشود) و مربوط به تحرک سرمایه است، استناد میکند.

خواننده بانک مرکزی اشعار میدارد که ایران هرگز ماده هشت موافقتنامه صندوق بین المللی پول را نپذیرفته و بنا بر این، مقررات آن ماده برای ایران الزام آور نیست. بانک مرکزی همچنین استدلال میکند که ایران مقررات کنترل ارزی خود را طبق بند ۲ ماده چهارده به صندوق اطلاع داده و صندوق با آن مقررات مخالفتی ننموده است.

دیوان متذکر می گردد، که بموجب بند (ج) ماده دو قانون بانکی و پولی مصوب ۱۹۷۲ ایران، بانک مرکزی از جمله اختیارات دارد که مقررات مربوط به معاملات ارز خارجی و کنترل اینگونه معاملات را تهیه و تنظیم نماید.

بانک مرکزی در ۱۴ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۳ آبانماه ۱۳۵۷) بخشنامه ای (به شماره ن. ۱۱۶۰۰/۰.۱) همراه با فهرستی به بانک بین المللی ایران ارسال داشت. ظاهراً "بخشنامه مزبور به بانکهای دیگر ایران نیز ارسال

شده بود. فهرست پیوست حدود و شرایطی را که با نکها در موارد مختلف مجاز به فروش ارز خارجی بودند، مشخص می‌کند. بندهای ۴ و ۱۴ فهرست در پیرونده حاضر مورد توجه خاص می‌باشد. بند ۴ فهرست از جمله قید می‌کند که فروش ارز خارجی بابت خدمات بموجب قراردادهای منعقد شده بین شرکت‌های داخلی و خارجی مستلزم تأیید بانک مرکزی می‌باشد. طبق بند ۱۴ فروش ارز تجارتي خارجی برای منظورهاى ديگرى غير از آنچه که در فهرست ذکر شده در هر مورد منوط به تصویب قبلی بانک مرکزی می‌باشد.

بند ۶ بخشنامه بانک مرکزی (شماره ن. ۵/۲۰۹۰۰.۱) که در تاریخ ۵ مه ۱۹۷۹ (۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸) صادر شده و قصدش ابطال کلیه بخشنامه‌های صادره قبلی بانک مرکزی در این رابطه بوده، نیز در موارد فروش ارز خارجی بابت خدمات ارائه شده بموجب قراردادهای بین موسسات داخلی و خارجی، تصویب بانک مرکزی را لازم می‌شمارد.

برای تشخیص اینکه با اعلام مقررات ارزی مندرج در بخشنامه‌های فوق از موافقتنامه صندوق بین‌المللی پول تخلف شده یا خیر جا دارد که به بخش ۳ ماده شش موافقتنامه مذکور که بشرح زیر است، توجه شود.

"کنترل‌هایی که در مورد انتقال سرمایه معمول می‌شود - اعضاء صندوق می‌توانند در صورت لزوم برای تنظیم حرکت سرمایه بین المللی چنین کنترل‌هایی را معمول دارند ولی هیچ عضوی نمیتواند این کنترل‌ها را بنحوی معمول دارد که پرداخت بابت معاملات جاری را محدود کند یا بطرز ناروا نقل و انتقالات وجوه را در تصفیه تعهدات بتعویق اندازد، مگر بنحوی که در بند ۳ (ب) ماده هفت و بند ۲ ماده چهارم مقرر گردیده است". (۲)

(۲) در بند ۳ (ب) ماده هفت امکان وضع محدودیت‌های موقت در مورد آزادی معاملات ارزی به پولی که صندوق آن را کمیاب اعلام کرده، پیش‌بینی شده است. بند ۲ ماده چهارم محدودیت‌های ارزی در مورد معاملات جاری اعضاء طی یک دوره انتقالی مربوط است. هیچک از این دو بند در پیرونده حاضر مصداق ندارد.

مفهوم "معاملات جاری" در بند (د) ماده نوزده موافقتنامه صندوق بین‌المللی پول بشرح زیر بیان شده است :

"پرداختهای بابت معاملات جاری پرداختهایی میباشد که بمنظور انتقال سرمایه نبوده و بدون قید محدودیت شامل موارد زیر میشود :

(۱) کلیه پرداختهای مقرر در رابطه با تجارت خارجی، سایر معاملات جاری از جمله خدمات و تسهیلات اعتباری و بانکی عادی و کوتاه مدت ،

(۲) پرداختهای مقرر بعنوان بهره وامها و درآمدهای حاصل از سایر سرمایه - گزاریها ،

(۳) پرداختهای مبلغ مناسب بابت استهلاک وامها و استهلاک سرمایه - گزاریهای مستقیم، و

(۴) حواله‌های مناسب جهت هزینه زندگی خانواده‌ها "

تمیز بین معاملات جاری و معاملات سرمایه‌ای کارآسانی نیست . مبلغ مورد اختلاف در ازاء "سهام و منافع" هود در هود - نورم که هود طبق موافقت نامه مورخ ۷ اکتبر ۱۹۷۹ (۱۵ مهر ماه ۱۳۵۸) به نورم فروخت ، به هود پرداخت شد . بدون توجه به منبع اولیه وجوه، معامله ظاهراً " باید معامله سرمایه‌ای باشد . طرفین در عمل مطلبی در مورد تعاریف "معاملات جاری" و "سرمایه‌ای" ارائه ندادند . در نبود هیچگونه مطلبی در این موضوع، نظردیوان اینست که مبلغ مورد بحث بابت سرمایه بوده است و نه بابت معامله‌ای که طبق تعریف بند (د) ماده نوزده موافقتنامه صندوق بین‌المللی پول، معامله "جاری" محسوب می‌شود . در این حالت دیوان معتقد است که مبلغ سپرده را باید بعنوان مابه‌ازائی برای انتقال سرمایه شمرده . در نتیجه ، بر اساس مطالب موجود در دیوان بنظر میرسد که بند ۳ ماده شش موافقتنامه صندوق بین‌المللی پول در این مورد صادق باشد . شرط مزبور به اعضاء آزادی عمل می‌دهد که اصولاً در مورد انتقال سرمایه - گزاریها ، ارزی اعمال نمایند .

در نتیجه، نظردیوان اینست که مقررات ارزی ایران تا جایی که به پرونده حاضر ارتباط دارد مغایر با موافقتنامه صندوق بین المللی پول وضع نشده و بنا بر این ادعای مربوط به پرداخت اول را نمی توان بر مبنای چنین تخلفی پذیرفت.

(ج) تخلف ادعائی از عهدنامه مودت

هودا استدلال میکند که رویه های محدودکننده بانک مرکزی بمنزله گرفتگی (taking) سپرده بانکی بوده و هودبا طرآن طبق بند ۲ ماده چهار عهدنامه مودت استحقاق دارد غرامت عادلانه ای دریافت نماید، و علاوه رویه های مزبور تخلف از مقررات کنترل ارزی مندرج در عهدنامه می باشد.

متن مقررات کلی مربوط به محدودیتهای ارزی در بند ۱ ماده هفت بشرح زیر است.

"هیچیک از طرفین متعاهدین معظمین در مورد پرداخت و ارسال و سایر انتقالات پولی بقلمرو طرف معظم متعاهد دیگری از قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر به قلمرو خود تضییقاتی قائل نخواهد شد مگر (الف) تا حدی که برای تامین ارز خارجی جهت پرداخت بهای کالاها و خدمات (سرویسهای) ضروری برای بهداشت و رفاه مردم لازم باشد یا (ب) در مورد یک عضو صندوق بین المللی پول تضییقاتی که مصرحا "بتمویب صندوق رسیده باشد".

بند ۲ ماده هفت که حاوی مقررات خاص تری در این مورد است، در قسمت مربوطه، بشرح زیر مقرر میدارد:

"اگر هر یک از طرفین معظمین متعاهدین تضییقات ارزی بکار برده در اسرع وقت قرار معقولی برای خارج کردن ارز خارجی بیول رائج طرف معظم متعاهد دیگر در موارد ذیل خواهد داد. . . . (ب) درآمدها بصورت حقوق (ماهانه)، بهره، سود سهام، حق العمل، حق لامتیاز، احترت خدمات فنی یا غیر آن و (ج) میالغ مخصوص استهلاک دیسون و استهلاک سرمایه گذاری مستقیم و انتقالات سرما به با توجه به حوائج خاصی برای سایر معاملات".

قبل از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیمه ۱۳۵۹) خواهان فقط درخواست کرده بود که وجوه وی به حساب مارک در آلمان منتقل شود. چون جهت انتقال وجوهش به ایالات متحده یا به دلار آمریکا بموقع اقدام نکرده بود، مفاد ماده هفت عهدنامه مودت قابل اعمال نیست. دیوان صلاحیت ندارد که به ادعاهائی که از درخواستهای بعد از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیمه ۱۳۵۹) ناشی می شود رسیدگی کند (بند ۱ ماده دویسیامیه حل و فصل دعاوی) نظریه مراتب فوق، دیوان مدارک کافی در مورد ضبط شدن وجوه مورد بحث در دست ندارد.

نظریه یافته های فوق، برای حل اختلاف حاضر نیازی نیست که به این سوال پرداخته شود که آیا عهدنامه مودت معتبر است یا خیر.

(د) استدلال هود راجع به استوپل (Estoppel ، اصل ممنوعیت انکار بعد از اقرار)

هود استدلال کرده است که چون خواندگان در گذشته اجازه خارج کردن پول را داده بودند، اینک با پیدازمانعت از خروج سپرده بانکی منع شوند. دیوان این استدلال را نمی پذیرد. دلیلی در دست نیست که نشان دهد هود قبلاً اقدام به صدور سرمایه از ایران کرده است. مضافاً "قبول استدلال هود در واقع میتواند به این معنی باشد که محدودیت های قانونی ارزی در موارد انفرادی بی اعتبار شده و بنا بر این می تواند به تجاوز به اختیارات دول مستقل باشد.

جهت اثبات این امر که نمایندگان بانک ایران و عرب همانطور که هود ادعا می کند اطمینان دادند که سپرده ها بعداً "بخارج انتقال داده می شود مدرک کافی وجود ندارد، بعلاوه، حتی اگر چنین اطمینانی هم در واقع داده شده باشد، این امر در پرونده حاضر محدودیت های ارزی را که ایران وضع کرده است، نسخ نمی کند.

(۳) طرح دعوای مدنی در ایالات متحده مبتنی بر اقدامات ادعائی قبلی خواندگان شرط تقاضا را احراز نمی کند. در مورد شرط تقاضای مقتضی رجوع شود به شرینک کورپوریشن علیه جمهوری اسلامی ایران حکم شماره ۳ - ۳۸ - ۱۲۲ (۱۶ آوریل ۲۷/۱۹۸۴ فروردین

۳ - هزینه‌ها

تحت شرایط پرونده حاضر، و با اعمال مواد ۳۸ و ۴۰ قواعد دایوان داوری، دیوان نظر میدهد که هر یک از طرفین مسئول پرداخت هزینه‌های داوری مربوط به خود باشند.

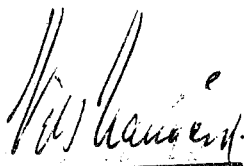
چهار - حکم

دیوان بدینوسیله بشرح زیر حکم صادر مینماید:

ادعاهای خواهان، هودکورپوریشن مردود شناخته میشود.

برای اس استرداد ادعای متقابل از طرف خواندگان این ادعا نیز مختومه شناخته میشود، هر یک از طرفین هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل خواهد کرد.

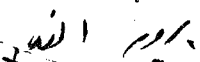
لاهدیتاریخ ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۴ برابر با ۲۲ تیرماه ۱۳۶۳.



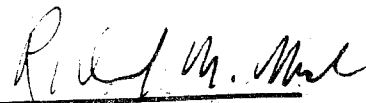
نیلس منگارد

رئیس شعبه سه

بنام خدا



پرویز انصاری معین



ریچارد ام. مارک

نظر مخالف